



بررسی راهبرد اسرائیل در عادی سازی روابط با اعراب در برابر ایران بر اساس نظریه استفان والت

اصغر رجبی ده برزوئی^۱، محمد بیدگلی^۲

چکیده

فضای امنیتی و روانی خاورمیانه با گذشت بیش از هفت دهه از موجودیت رژیم غاصب صهیونیستی، همچنان متأثر از تشکیل این دولت اشغال گر است. اسرائیل اهدافی را از پیگیری روند عادی سازی با کشورهای عربی منطقه خلیج فارس دنبال می کنند که هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اساسی است که راهبرد اسرائیل در عادی سازی روابط با اعراب در برابر ایران بر اساس نظریه استفان والت چیست؟ این پژوهش با روش اسنادی و با الهام گرفتن از نظریه موازنه تهدید استفان والت در تحلیل راهبرد اسرائیل در عادی سازی روابط با اعراب استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که اسرائیل با تاکید بر تهدیدات امنیتی ایران به توسعه روابط خود با اعراب به دلایلی از جمله حمایت آمریکا از عادی سازی روابط، تضعیف ایدئولوژی ضد صهیونیستی ایران، وجود شکاف و جدایی در میان کشورهای عربی، درگیر بودن اعراب با بحران های داخلی و ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه ای در سطح همکاری های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته و الگوی رفتاری موازنه تهدید را بهترین رویکرد در قبال جمهوری اسلامی ایران برگزیده اند.

واژگان کلیدی: استفان والت، اسرائیل، عادی سازی روابط با اعراب

۱. استادیار گروه معارف، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

asgharrajabi021@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



مقدمه

بدون آگاهی و شناخت تحولات سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی اواسط قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم در رابطه با مسئله فلسطین و اعراب نمی‌توان به درک صحیحی از ریشه‌های بحران در خاور میانه کنونی نائل آمد. در عرصه روابط بین‌الملل، مهمترین مسائل زندگی بشر در سطح داخلی و بین‌المللی مقوله امنیت می‌باشد. این امر در بین کشورهای مختلف با توجه به توانایی‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فناورانه و... متغیر است (مختاری، ۱۳۹۹: ۱۲۸). فضای امنیتی و روانی خاورمیانه با گذشت بیش از هفت دهه از موجودیت رژیم صهیونیستی، همچنان متأثر از تشکیل این دولت اشغالگر است. به همین جهت شناخت این رژیم و آگاهی از سیاست‌ها و راهبردهای آن بسیار ضروری می‌باشد. رژیم صهیونیستی به دنبال توسعه راهبرد امنیتی از شامات به منطقه خلیج فارس است تا از کشورهای عرب خلیج فارس به عنوان سپر امنیتی در برابر ایران استفاده کند. کشورهای عربی دنباله رو سیاست‌های غرب از اراده و استقلال رأی برخوردار نیستند و گوش به فرمان ایالات متحده آمریکا هستند. در بحرین و امارات متحده عربی، خانواده خاصی از صد سال پیش در آنجا حکومت می‌کنند و تصمیم‌گیری‌ها در خصوص مسائل کشور و روابط خارجی به صورت خانوادگی و فردی است و مردم هیچ نقشی در تصمیم‌گیری ندارند. اسرائیل سالهاست که با کشورهای عربی روابط غیررسمی دارد، اتفاقات سال‌های اخیر موجب پررنگ‌تر و آشکارتر شدن روابط رژیم با اعراب گردید (عرب‌گری، ۱۴۰۰: ۲). رژیم صهیونیستی تلاش دارد با فراگیرسازی سیاست عادی‌سازی روابط با کشورهای عرب منطقه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای محور مقاومت را منزوی نموده تا پازل اتحاد پیرامونی را تکمیل نماید. از نظر کشورهای حاشیه خلیج فارس، اسرائیل گزینه مناسبی برای جلوگیری از کاهش نقش ایالات متحده آمریکا در منطقه و همچنین یک شریک تجاری ثروتمند که دارای اقتصادی با فناوری پیشرفته است که می‌تواند برای موازنه‌سازی بر علیه ایران به آنها کمک شایانی نماید، خواهد بود. از نظر رژیم صهیونیستی نیز، برقراری روابط حسنه با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس انزوای این رژیم را کاهش؛ و راهی برای مقابله با فشار فلسطینیان برای مذاکره درباره یک کشور جدید

است، زیرا حمایت اعراب هم ردیف اصلی این کارزار طولانی مدت بوده است. این روابط در دهه گذشته قوی تر شده است، زیرا رژیم صهیونیستی و اعراب خلیج فارس به یک هدف مشترک بر سر ایران رسیدند که هر دو طرف آن را تهدید جدی برای امنیت ملی خود قلمداد می کنند. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اساسی است که راهبرد اسرائیل در عادی سازی روابط با اعراب در برابر ایران بر اساس نظریه استفان والت (Stephen Walt) چیست؟ این پژوهش با روش اسنادی و با الهام گرفتن از نظریه موازنه تهدید استفان والت در تحلیل راهبرد اسرائیل در عادی سازی روابط با اعراب استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که اسرائیل با تاکید بر تهدیدات امنیتی ایران به توسعه روابط خود با اعراب به دلایلی از جمله حمایت آمریکا از عادی سازی روابط، تضعیف ایدئولوژی ضد صهیونیستی ایران، وجود شکاف و جدایی در میان کشورهای عربی، درگیر بودن اعراب با بحران های داخلی و ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه ای در سطح همکاری های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته و الگوی رفتاری موازنه تهدید را بهترین رویکرد در قبال جمهوری اسلامی ایران برگزیده اند.

پیشینه پژوهش

در خصوص راهبرد اسرائیل در عادی سازی روابط با اعراب در برابر ایران از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه مرتبطی به ویژه از دیدگاه استفان والت مشاهده نشد، علی رغم آن پژوهش های به شرح زیر برخی از متغیرهای پژوهش را به صورت مجزا مورد واکاوی قرار داده اند که در جدول زیر به آنها اشاره شده است:

جدول (۱): مقالات مرتبط با موضوع پژوهش مورد نظر

نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهمترین یافته ها
جانسیز - اعجازی ۱۴۰۰ روش مطالعه موردی	تحلیل رابطه بین ایران و ایالات متحده آمریکا از منظر موازنه تهدید (۲۰۲۱-۲۰۱۶)	جمهوری اسلامی ایران برای ایالات متحده آمریکا یک تهدید فوری و قریب الوقوع به شمار نمی آید اما ایالات متحده آمریکا می تواند یک تهدید نسبی و در عین حال



نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته‌ها
کمالی - الهامی - نبی زاده ۱۴۰۰ تحلیل مضمون	روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	جدی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران به شمار رود.
عالیشاهی - فروزان - سلیمانی سوچلمانی ۱۳۹۹ تحلیلی و توصیفی	تاثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس	این مقاله با استفاده از نظریه موازنه تهدید نشان می‌دهد که روابط امارات و رژیم صهیونیستی به تدریج به سمت تنش زدایی و ایجاد رابطه منجر می‌گردد.
حاجی یوسفی - نعمتی ۱۳۹۸ توصیفی تحلیلی	صف آرائی عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی از نگاه نظریه‌های روابط بین الملل	نظریه توازن تهدید استفان والت در تبیین عوامل ساختاری از کارائی بهتری برخوردار است.
عباسی - قیاسی - باباجانی پور ۱۳۹۲ توصیفی تحلیلی	راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین الملل	رژیم صهیونیستی راهبرد اتحاد پیرامونی را به عنوان مبنا و اساس حفظ امنیت و بقای خود برگزیده است.

چارچوب نظری پژوهش

نظریه موازنه قدرت دارای آن چنان صلابت بنیادی است که نمی‌توان فرضیات آن را کاملاً مردود شمرد. هنوز هم این نظریه پنجره‌هایی از واقعیت را به روی پژوهشگران می‌گشاید (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۴۷). واقع‌گرایی یکی از قدیمی‌ترین نگرش‌ها در عرصه توضیح و تبیین مسائل بین‌المللی می‌باشد. مهمترین ویژگی روش شناسی واقع‌گرایان در مفروضاتی نهفته است که عبارتند از: دولت را می‌توان به عنوان یک بازیگر یا کنشگر در نظر گرفت، دولت همچون فرد از هدف و جهتی برخوردار است و در دولت کنش عقلانی وجود دارد زیرا امنیت هدف اصلی سیاست خارجی تلقی می‌شود از دیدگاه واقع‌گرایانی چون کنت والتز (Kenneth Waltz)، دولت‌ها تنها بازیگران در عرصه جهانی هستند که در پی منافع ملی‌اند، از این رو امنیت ملی با قدرت این بازیگران ارتباط مستقیم دارد (دویچ، ۱۳۷۵: ۲۴۱). واقع‌گرایان از سیاست جهان تصویر نسبتاً تیره‌ای ترسیم می‌نمایند. از نظر آنها نظام بین‌الملل میدان مبارزه است که در آن کشورها به صورت بی‌رحمانه‌ای به دنبال فرصت‌های می‌باشند تا بتوانند از یکدیگر بهره‌برده و امتیاز بگیرند که اعتماد جای در این عرصه ندارد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۶۲). واقع‌گرایان معتقدند چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند قادر بر انجام هیچ کاری نخواهد بود تحت این شرایط نیروی نظامی کارآمد برای حمایت دیپلماسی، سیاست خارجی و در نهایت تامین امنیت ضروری است در مقایسه با توانایی نظامی، توانایی اقتصادی نقش کمتری را در امنیت ملی ایفا می‌کند (قوام، ۱۳۸۴: ۳۵۷). والتز می‌گوید به طور رسمی هر دولتی با سایر دولت‌ها برابر است، هیچ کس حق امر و نهی به آن را ندارد و مجبور به اطاعت از هیچ کس نیست. استقلال نه تنها یک حق است بلکه هنجاری است که مورد پذیرش واقع شده است و بنابر این هنجاری برای برابری حاکمیت دولت‌ها است چرا که گفتن اینکه دولت‌ها از لحاظ قانونی یا رسمی با دیگر دولت‌ها برابر هستند نه تنها به لحاظ تجربی پذیرفته شده است بلکه از نظر هنجاری نیز مورد پذیرش واقع شده است (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

عدم تحقق فرضیه موازنه قوا علیه ایالات متحده پس از جنگ سرد یکی از متفکران نظریه



نئورئالیسم که بعدها به نئورئالیسم (Neorealism) واقع گرا معروف شد، به نام استفان والت را به سوی جابجایی نقطه تمرکز واقع گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق داد. او معتقد است که غیر عادی بودن عدم موازنه دولت‌ها در برابر آمریکا، هنگامی که تمرکز را نه بر قدرت بلکه بر تهدید بگذاریم از بین می‌رود. بنابر این، به اعتقاد وی قدرت‌ها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه نمی‌زنند، در مقابل، آنچه باعث می‌شود کشورها به توازن روی آوردن، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. از نظر والت دولت‌ها در مقابل درک تهدید دو نوع سیاست را در پیش می‌گیرند، اول آنکه کشور یا کشورهایی که مورد تهدید واقع شده‌اند به خاطر وجود تهدید و بر اساس اصل توازن تهدید به توازن دست می‌زنند و یا اینکه کشور و یا کشورهای مورد تهدید سیاست همراهی را در پیش می‌گیرند، یعنی به منظور حفظ و تامین امنیت خود با طرف تهدید کننده متحد می‌شوند. در رابط با حالت نخست، والت معتقد است در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری موازنه در برابر قدرت یا قدرت‌های برتر علاوه بر متغیر قدرت (توانایی)، سه متغیر دیگر نیز تاثیرگذار هستند. او استدلال می‌کند ائتلاف‌های توازن دهنده در قبال تهدید شکل می‌گیرند، تهدیداتی که می‌توانند از قدرت (توانایی)، مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیات تهاجمی نشأت بگیرند. موارد شده به مثابه متغیرهای مستقلی انگاشته می‌شود که تغییر در هر یک، دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای می‌کشاند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۱).

رژیم صهیونیستی بر پایه متغیر قدرت به موازات افزایش قدرت جهان عرب و در سال‌های پس از انقلاب جبهه مقاومت به اتخاذ اقدامات موازنه‌ای عمل کرد. خرید سلاح و مدرن‌سازی ارتش و تشکیل اتحاد عربی علیه رژیم صهیونیستی از جمله توانایی‌های تهدیدزای کشورهای عربی علیه رژیم صهیونیستی بوده است. در متغیر مجاورت جغرافیایی نیز با توجه به فاصله نزدیک جغرافیایی کشورهای عربی و اسلامی شاهد افزایش ظرفیت تهدیدزایی آنها، نسبت به رژیم صهیونیستی هستیم. فقدان عمق استراتژیک و مجاورت با کشورهای عربی سبب شده بود تا سرزمین‌های اشغالی در طول جنگ‌های مختلف از سوی جبهه عربی مورد تهاجم قرار گیرد. در متغیر قدرت تهاجمی

بر اساس قدرت (نظامی و غیر نظامی) دشمنان رژیم صهیونیستی، میزان تهدیدزایی این دولت‌ها افزایش پیدا می‌کند و نیات تهاجمی سبب منطق اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی گردیده و کشورهای هم پیمان را به تشکیل ائتلاف جهت مقابله با دولت توسعه طلب و تهاجمی واداشته است.

موازنه در چارچوب نظری والت بر اساس نیاز به ترس شکل می‌گیرد، نه انباشت صرف قدرت. آنچه تعادل را ایجاد می‌کند، نیت خصمانه به معنای تلاش برای جایگزینی قدرت برتر است. به عبارت دیگر افزایش قدرت چالش برانگیز به تنهایی تعادل ایجاد نمی‌کند، بلکه ماهیت قدرت کشور در حال افزایش است که این امر تعادل را ایجاد می‌کند. بنابراین، معادله شامل قدرت و نیات صاحبان قدرت می‌شود. در تعریف والت، دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت نسبی خود بر سایر دولت‌ها هستند، در غیر این صورت دولت‌ها به جایی می‌رسند که برای جلوگیری از هزینه‌های غیر ضروری یا شکست، باید با قدرت فزاینده تسلیم یک متجاوز شوند (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۷). والت باور دارد که کشورها بر پایه توازن قوا عمل نمی‌کنند، بلکه توازن تهدید را ملاک قرار می‌دهند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به بررسی راهبرد اسرائیل در عادی سازی روابط با اعراب در برابر ایران می‌پردازد. برای جمع‌آوری اطلاعات، روش اسنادی و مبتنی بر تفسیر متن مورد استفاده قرار گرفته است. روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیرمزاحم و غیرواکنشی به شمار می‌آید. مراجعه به اسناد و مدارک در پژوهش‌های تاریخی یا بررسی‌هایی انجام می‌شود که موضوع آن‌ها، مطالعه پژوهش‌های پیشین درباره پدیده‌های موجود است یا پژوهش‌هایی که موضوع آن‌ها این مراجعه را ایجاد می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۲۵۴). در این روش دو مرحله گردآوری و سپس تحلیل، تبیین و داوری، قابل تصور است. دستاوردهای این پژوهش از نوع کاربردی است.

روابط اسرائیل و ایران

تاسیس رژیم صهیونیستی در اردیبهشت سال ۱۳۲۷ با حمایت آمریکا و انگلستان اتفاق افتاد.



یک سال بعد از تاسیس رژیم صهیونیستی، در ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ دولت محمد ساعد (نخست وزیر ایران)، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و روابط سیاسی خود را برقرار نمود. اولین سفیر رژیم صهیونیستی به نام مئیر عزری (Meir Ezri) در سال ۱۳۴۶ به ایران آمد و پس از آن سفارت رژیم صهیونیستی به طور رسمی آغاز به کار کرد و تا پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت های خود را ادامه داد (رجبی ده برزویی و بیدگلی، ۱۴۰۱: ۶۲). یکی از علل مهم دشمنی ما با رژیم غاصب رژیم صهیونیستی این است که اساساً رژیم جلاد صهیونیست یک کشور یا دولت نیست و فقط برای دشمنی با ملت های مسلمان تأسیس شده است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی علی رغم اعتقادات اسلامی مردم ایران که دفاع از مظلوم سرلوحه آن بود، خاندان پهلوی با رژیم صهیونیستی رابطه خوبی برقرار کردند؛ همین موضوع باعث شد مردم ایران به حمایت از ملت فلسطین برخیزند و با آنها علیه رژیم صهیونیستی همسو شوند، اما رژیم پهلوی به خاطر آنکه رژیم صهیونیستی را هم پیمان آمریکا می دانست با این رژیم روابط دوستانه را برقرار کرد. رژیم صهیونیستی وجود هم پیمانی به مانند شاه در منطقه را برای خود فرصت مناسبی می دانست؛ زیرا در کشاکش درگیری های بین اعراب و رژیم صهیونیستی خاندان پهلوی می توانست کمک های بسیاری را انجام دهد.

سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران معادلات تغییر کرد و رژیم صهیونیستی که تا دیروز ایران را شریک استراتژیک خود می دانست با خشم ملت ایران و به طبع برخورد حکومت اسلامی مواجه شد. تنها به فاصله چند ساعت از پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت رژیم صهیونیستی که در خیابان کاخ سابق (خیابان فلسطین فعلی) قرار داشت به تسخیر مردم انقلابی درآمده و تابلوی سفارت فلسطین بر سر در آن نصب شد. نکته جالب ماجرا آنجاست که سفارت فلسطین در ایران نخستین سفارت فلسطین در جهان می باشد که به این معنا است جمهوری اسلامی تنها در مقام حرف از آرمان های قدس و فلسطین حمایت نمی کند، بلکه ایران اسلامی اگر حرفی بزند پای آن خواهد ایستاد، همان گونه که پای حرف خود در دفاع از مظلوم در برابر ظالم در سرتاسر دنیا ایستاده است و خواهد ایستاد (رجبی ده برزویی و بیدگلی، ۱۴۰۱: ۱۵۸).

روابط اسرائیل و اعراب

عادی سازی رابطه اعراب و رژیم منحوس صهیونیستی از زمان انور سادات کلید خورد و برخی از کشورهای عرب رابطه پنهانی با رژیم صهیونیستی با فراز و نشیب و در مقاطع مختلف را آغاز کردند، تأمین منافع نظام سلطه، ضربه زدن به جبهه مقاومت، سرکوب نیروهای فلسطینی و مشروعیت بخشی به اشغالگری رژیم منحوس صهیونیستی از اهداف عادی سازی های کشورهای عربی با این رژیم جعلی است. ناکارآمدی و بلکه سکوت و بی ارادگی سازمان همکاری اسلامی در مقابل روند عادی سازی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و حتی سکوت در مقابل رویکرد ستیزه جویانه رژیم صهیونیستی علیه شهروندان فلسطینی را می توان مؤلفه های مهم از سیاست تغییر یا چرخش روند سیاستگذاری سازمان همکاری اسلامی برای تعامل با رژیم صهیونیستی قلمداد کرد که روند عادی سازی روابط میان کشورهای اسلامی نیز در نهایت به چرخش بزرگ سیاستگذاری جهان اسلام مقابل رژیم صهیونیستی کمک خواهد کرد (آقازاده، ۱۳۹۹: ۲).

عربستان سعودی روابطش با رژیم صهیونیستی را بدون ارتباط مستقیم با پیشرفت در حل نظامی فلسطین و رژیم صهیونیستی پیش برد. روابط میان واشنگتن و ریاض و آمادگی آمریکا برای رهبری عادی سازی روابط در خاورمیانه اهمیت زیادی دارد. تقویت روابط با آمریکا جزو منافع عالی عربستان است. در سال های اخیر محافل عربستانی درباره تمایل آمریکا برای حمایت از منافع عربستان دچار تردید شده اند و احتمالاً عربستانی ها در ازای تغییر در موضع واشنگتن در قبال ریاض - از جمله دریافت ضمانت هایی علیه ایران و گشودن صفحه جدیدی با محمد بن سلمان که به او مشروعیت بیشتری را برای حکمرانی بدهد - با رژیم صهیونیستی سازش هایی داشته باشند. برای علنی کردن روابط و گسترش آن، خاندان حاکم عربستان باید حساسیت های داخلی و خارجی و تاثیر آن بر جایگاه عربستان را به ویژه به عنوان حافظ اماکن مقدس مسلمانان و ثبات آن رفع کنند. عربستان خواهان آغاز مذاکره میان رژیم صهیونیستی و فلسطینی ها ولو به عنوان بهانه ای برای نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی خواهد شد. عربستان به اقدامات خود برای روابط با رژیم صهیونیستی به صورت تدریجی و متفاوت با توافق نامه های ابراهیم ادامه می دهد. در این باره می توان گشایش حریم هوایی



عربستان به روی هواپیماهای رژیم صهیونیستی در جریان سفر بایدن به جده را مثال زد. ادامه و گسترش توافق نامه‌های سازش برای تحقق روابط میان عربستان و رژیم صهیونیستی مهم است چرا که می‌تواند به پیوستن عربستان به توافق نامه‌های عادی سازی روابط مشروعیت بدهد.

در بررسی روابط امارات و رژیم صهیونیستی مشخص می‌شود که طرفین ظرف دو دهه اخیر از روابط پنهان و آشکاری در عرصه‌های مختلف، به ویژه حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی برخوردار بوده اند که به برخی از نمونه های آن در ذیل اشاره می‌شود.

الف) قرارداد با شرکت ای جی تی اینترنشنال (AGT International)، سوئیس با مالکیت سرمایه‌گذار یهودی با هدف تأمین ادوات امنیتی و تجسس در حوزه زیرساخت امارات متحده عربی، شرکت مزبور همچنین در زمینه‌های انرژی‌های فسیلی (نفت و گاز)، فروش پهپادهای جاسوسی با نام سیستم چشم‌های کوچک با کشور امارات همکاری داشته است.

ب) همکاری و عقد قرارداد با شرکت ان. اس. او (N. S. O) رژیم صهیونیستی به منظور خرید تکنولوژی شنود تلفن‌های همراه با هدف شنود ارتباطات افشار فرهنگی به ویژه رسانه‌ای، شرکت مزبور، اجازه فروش و صادرات تجهیزات مزبور به تعدادی کشورهای طرف قرارداد از جمله امارات را از سازمان عفو بین المللی اخذ می‌کند.

ج) در حوزه همکاری‌های نظامی، مشارکت در مانورهای مشترک از جمله مانور پرچم سرخ در حوزه هوافضا با نظارت و فرماندهی نیروهای آمریکایی و مشارکت رژیم صهیونیستی.

د) در دیپلماسی فرهنگی و ورزشی نیز همکاری‌های دو طرف با سفر وزیر فرهنگ و ورزش رژیم صهیونیستی در اکتبر ۲۰۱۸ به ابوظبی و همراهی وزیر مخابرات این رژیم به منظور شرکت در همایش نمایندگان سیستم‌های مخابراتی در دبئی، دیدار وزیر خارجه رژیم صهیونیستی از ابوظبی در ۲۰۱۹ جهت مشارکت در همایش محیط زیست و دیدار وزیر دادگستری رژیم صهیونیستی به همراه دادستان عمومی از امارات با هدف شرکت در همایش مبارزه با فساد در دسامبر ۲۰۱۹ می‌توان یاد کرد. همچنین دیدار مقامات ورزشی و ورزشکاران رژیم صهیونیستی در امارات متحده عربی اقدام دیگر در تقویت همکاری‌های دو طرف است (فردوسی‌پور، ۱۳۹۹: ۲).

عادی‌سازی روابط برای کشورهای عربی نیز دربردارنده تهدید و چالش است؛ زیرا عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی می‌تواند واکنش‌های منفی در عربستان و امارات ایجاد کند. در این بین عربستان سعودی با بیشترین خطرات در این رابطه مواجه است؛ زیرا واکنش‌های اعتراض آمیز در کشورهای عربی نسبت به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، تنها مربوط به واکنش‌های خیابانی نمی‌شود و در عربستان همگرایی حاکمیت این کشور با رژیم صهیونیستی می‌تواند مشروعیت ملک سلمان و محمد بن سلمان را متزلزل کند. همچنین باید خاطر نشان کرد که بعد از مصر و اردن، این اولین بار بود که یک کشور عربی با اسرائیل روابط عادی برقرار می‌کرد؛ به این معنی که روابط پنهانی خود را با اسرائیل آشکار می‌کرد (singer, 2021: 448).

دکترین نظامی رژیم صهیونیستی

اسرائیل به دنبال این است که کل روایت تاریخی درگیری با فلسطین را از تو خالی کند و به تدریج آن را با روایت خود جایگزین کند که می‌گوید فلسطین در واقع سرزمین موعود قوم یهود است و فلسطینیان هرگز به عنوان یک ملت وجود خارجی نداشته‌اند. این روایت هم مبتنی بر باور دیرینه صهیونیستی است که فلسطین را در واقع سرزمینی بدون مردم برای مردمی (یهودیان مهاجر) بدون سرزمین می‌داند. برای تحقق بخشیدن به آن هم باید یک دولت تمام یهودی وجود داشته باشد که پیوسته در حال گسترش است—نه لزوماً با اشغال سرزمین‌های عربی بیش‌تر، بلکه از طریق دستکاری تاریخ برای به دست آوردن جای پای در اذهان آن‌ها. اکنون صلح برای رژیم صهیونیستی به معنای عادی‌سازی به هر قیمتی است که به قیمت نابودی فلسطینی‌ها انجام می‌شود. نتیجتاً استراتژیک نظامی رژیم صهیونیستی یک استراتژی دفاعی تعریف شده که باید به طور تهاجمی به اجرا در آید، زیرا به دلیل نداشتن عمق استراتژیک و آسیب‌پذیری نیروهای نظامی، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا نبرد را به قلمرو دشمن خود منتقل کند (عابدی، ۱۴۰۱: ۳).

سازمان‌های جاسوسی در سراسر جهان همواره به صورت دولت‌های نامرئی در تمام تحولات و حوادث و آشوب‌های سیاسی بزرگ و کوچک دخالت دارند. بیشتر سیاستگذاری‌ها در رژیم صهیونیستی مبتنی بر ارزیابی‌های جاسوسی و اطلاعاتی است و در واقع پایه و اساس این رژیم



مبتنی بر فعالیت‌های جاسوسی بوده است. همچنین ارتباط زیادی میان سطوح سیاسی و اطلاعاتی وجود دارد. راهبرد سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی، حفظ و بقای این رژیم در منطقه است و روش‌های عملیاتی آنها دارای یک نوع تفکر خاصی است که به اندیشه‌های سیاسی و نظام سیاسی آن برمی‌گردد. رژیم صهیونیستی از یک تفکر خاص پیروی می‌کند که حالت افراط‌گرایی و تهاجمی به دیگر نژادها و ملل دارد. تعدی و تجاوز به خاک دیگر کشورها به ویژه کشورهای همسایه فلسطین اشغالی و جلوگیری از نفوذ به داخل خای این رژیم و سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در داخل علیه اعراب و غیر یهودیان از سیاست‌های ثابت این رژیم است.

پیامدهای روابط اسرائیل با اعراب بر امنیت ایران

اقدام بدون محاسبه دو کشور امارات متحده عربی و بحرین در عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس، فضا را برای بازی سیاسی و دیپلماتیک این رژیم در جهان عرب و خاورمیانه باز خواهد کرد و کشورهای عربی را در باتلاق اختلافات میان خود با سوء استفاده این رژیم از این فرصت فرو خواهد برد. پیش از این، فقط مصر و اردن با رژیم صهیونیستی قرارداد صلح امضا کرده بودند و عمده کشورهای عربی فاقد رابطه دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی بودند. اما رژیم صهیونیستی حالا با تعداد بیشتری از کشورهای عربی روابط برقرار می‌کند و به آن معنا که مقامات و دیپلمات‌های رژیم صهیونیستی در خاورمیانه تحرک بیشتری خواهند داشت.

پیامد دوم: تبدیل شدن امارات متحده عربی به پایگاه رسمی عملیات موساد و دیگر سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که در واقع تحول بزرگی در روند اقدامات جاسوسی، امنیتی و تخریبی رژیم صهیونیستی در منطقه به وجود خواهد آورد و دامنه اقدامات تخریبی آن در شعاع قابل توجه کشورهای پیرامونی امارات، به ویژه جمهوری اسلامی ایران را هم در بر خواهد گرفت. پیامد سوم: این احتمال نیز وجود دارد که روند عادی‌سازی روابط این کشورها با رژیم صهیونیستی منجر به همکاری‌های نظامی و امنیتی و حتی مشارکت این کشورها در مانورهای نظامی مشترک با این رژیم شود که در این صورت شرایط امنیتی جدیدی را در منطقه شاهد خواهیم بود و بیشترین آسیب را نیز این کشورها خواهند دید.

پیامد چهارم: اقدامات ایدایی رژیم صهیونیستی در امارات برای اخلال در مناسبات تجاری ایران با دبی است. احتمال حضور شرکت های رژیم صهیونیستی در امارات موضوعی است که رسانه های رژیم صهیونیستی روی آن تبلیغات زیادی کرده اند ولی واقعیت این است که این حضور از سوی مردم منطقه قابل پذیرش نخواهد بود؛ ضمن آن که برخی مقامات رژیم صهیونیستی از جمله، افرایم هالوی (Ephraim Halloway) رئیس پیشین موساد گفته است، حضور رژیم صهیونیستی ها در منطقه می تواند به عنوان اهدافی از سوی ایران مدنظر قرار گیرد. وی گفته است: فکر نمی کنم که تهدید بخصوصی علیه رژیم صهیونیستی هایی که در پی نهایی شدن عادی سازی روابط بحرین با رژیم صهیونیستی به این کشور سفر خواهند کرد وجود داشته باشد، اما یک تهدید جدی بالقوه وجود دارد و آن هم این است که ممکن است ایرانی ها این را فرصتی برای حمله به رژیم صهیونیستی ها در نظر بگیرند. این توافق آرایشی جدید در موازنه قوای منطقه ای ایجاد خواهد کرد که سطح تنش ها در منطقه را به ویژه با ایران دو چندان خواهد کرد و مسابقه تسلیحاتی سنگین از پیامدهای آن خواهد بود (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۲).

راهبرد اسرائیل در عادی سازی روابط با اعراب در برابر ایران بر اساس نظریه

استفان والت

از دیدگاه استفان والت دولت ها در مقابل کشورهایی که منشا بیشترین تهدید هستند متحد می شوند در این حالت لزوما دولت یا دولت های تهدید کننده جزء قوی ترین دولت ها نیستند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۵). آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می شود میزان تهدیدی است که ادراک می شود. هرگاه دولت ها احساس کنند که موجودیت و یا منافع آنها از سوی دیگر دولت ها با تهدید روبروست، با اتحاد با یکدیگر به موازنه در برابر آنها می پردازند (حاجی یوسفی و نعمتی، ۱۳۹۸: ۸۰). اعراب در سال های اخیر به طور همزمان با تغییراتی در منطقه خلیج فارس مواجه هستند که کاهش حمایت های ایالات متحده آمریکا و سست شدن پایه های استراتژیک با این کشور و افزایش نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران از جمله آنهاست.

عادی سازی روابط بین تل آویو و کشورهای عربی در زمینه های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و



حتی ورزشی در سال گذشته به بالاترین سطح خود رسیده است. این در حالی است که طی سال‌های اخیر داشتن روابط آشکار کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی قبح داشت و به همین جهت دیدارهای دوجانبه به صورت مخفیانه و پنهانی صورت می‌گرفت. اما از سال گذشته دیدارها به صورت آشکار و علنی صورت گرفته است. نخستین پیامد منفی عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با تل آویو برای جمهوری اسلامی ایران شکل‌گیری تهدیدات امنیتی است. برقراری روابط دیپلماتیک و رسمی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی به معنای نزدیکی تل آویو به مرزهای جنوبی ایران است. اعراب با تاکید بر تهدیدات امنیتی ایران به توسعه روابط خود با رژیم صهیونیستی به دلایلی از جمله حمایت آمریکا از عادی‌سازی روابط، تضعیف ایدئولوژی ضدصهیونیستی ایران، وجود شکاف و جدایی در میان کشورهای عربی، درگیر بودن اعراب با بحران‌های داخلی و ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای در سطح همکاری‌های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته و الگوی رفتاری موازنه تهدید را بهترین رویکرد در قبال جمهوری اسلامی ایران برگزیده‌اند که به تبیین این دلایل می‌پردازیم.

حمایت ایالات متحده آمریکا از عادی‌سازی روابط

یکی از دلایل عمده تشدید روند عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی حمایت گسترده واشنگتن است. همان‌طور که در گذشته روابط ایران با رژیم صهیونیستی در مسیر عکس روابط این رژیم با اعراب قرار داشت. به دلیل حضور ایران عصر پهلوی در بلوک غرب و وابستگی آن به آمریکا، این کشور به همراه ترکیه از معدود کشورهای جهان اسلام بودند که رابطه مناسبی با رژیم صهیونیستی داشتند (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۶). سربرآوردن قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران و ترکیه به عنوان بازیگران کلیدی، حضور و فعالیت آمریکا را در این منطقه در راستای تأمین امنیت اسرائیل و همچنین در راستای اهداف خود بیش از پیش پررنگ تر می‌کند. (Sachs & Huggard, 2020: 25-27) رهبران عرب به دلیل هراس از دست‌دادن تاج و تخت خود خواهان رابطه با رژیم صهیونیستی به منظور جلب حمایت و کسب رضایت آمریکا هستند. در واقع انگیزه کشورهای عربی برای عادی‌سازی روابط با تل آویو به این تفکر اشتباه باز

می گردد که راضی نمودن رژیم صهیونیستی به معنای رضایت آمریکا و کسب حمایت آن است. به همین جهت کشورهای عربی نسبت به اقدام آمریکا برای انتقال سفارت خود از تل آویو به قدس سکوت نمودند و برخی دیگر نیز از این اقدام حمایت کردند.

تضعیف ایدئولوژی ضد صهیونیستی ایران

تهدید دیگر عادی سازی به ایدئولوژی ضد صهیونیستی ایران مربوط می شود. ایدئولوژی اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد موجودیت رژیم صهیونیستی و ویژگی درگیری های دایر در فلسطین اشغالی برای جمهوری اسلامی ایران یک مسئله اسلامی مرکزی و مهم محسوب می شود. از این رو مطرح شدن رژیم صهیونیستی در افکار عمومی منطقه به عنوان شریک سیاسی و راهبردی کشورهای عربی می تواند باعث مشروعیت بخشی به سیاست های تل آویو شده و ایدئولوژی ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی را تضعیف کند. در همین راستا، این احتمال وجود دارد که عادی سازی روابط با اسرائیل و خارج شدن آن از حالت تابو ممکن است به انزوای نسبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حتی در جامعه بین المللی منجر شود. بر اساس نگرش ایدئولوژیکی، تهدیدهای رژیم صهیونیستی بر ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ناشی از تقابل ایدئولوژیکی و فکری است و این تهدیدها مستمر بوده و تنها شکل تهدید است (شمس دولت آبادی و عسگری، ۱۳۹۸: ۲۶).

از طرف دیگر یکی از اهداف مهم رژیم صهیونیستی از عادی سازی روابط با امارات و بحرین فراموشی موضوع فلسطین است (عالیشاهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۸). آنها از هر فرصتی برای تثبیت رژیم صهیونیستی در منطقه و فراموشی حقوق فلسطینیان استفاده می کنند. مسلماً عادی سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی شکاف دیرینه را در منطقه غرب آسیا آشکار کرد. بدین سان، در طول دهه ها، بسیاری از کشورهای عربی در گفتار و تبلیغات به رژیم صهیونیستی حمله کردند، اما در واقع رویکردهای دو جانبه فردی را در روابط با این کشور دنبال کردند.

وجود شکاف و جدایی در میان کشورهای عربی

آنچه در روابط میان دولت ها حائز اهمیت است برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است



نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۸). عربستان سعودی طی سال‌های گذشته از تمامی امکانات خود برای تضعیف محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده است. ریاض در تمامی حوزه‌ها از جمله امنیتی، نظامی، اقتصادی، نفتی از هیچ تلاشی برای ضربه وارد کردن به ایران به عنوان بازوی اصلی محور مقاومت در منطقه دریغ نکرده است. اما سعودی‌ها به جز امکانات مالی و رسانه‌ای ظرفیت دیگری برای مقابله با محور مقاومت ندارند. به غیر از چند کشور محدود در جهان عرب که از عربستان سعودی کمک‌های مالی دریافت می‌کنند سایر کشورها نگاه مثبتی به ریاض ندارند. در واقع عربستان سعودی در ایجاد یک ائتلاف عربی علیه محور مقاومت و ایران با ناکامی بزرگی مواجه شده است. از این‌رو به دنبال متحد منطقه‌ای قدرتمند جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه است؛ لذا پس از ایجاد تنش در روابط ریاض - آنکارا و روابط ریاض - دوحه، مقامات سعودی به دنبال اتحاد و ائتلاف با رژیم صهیونیستی بوده‌اند. طی چند سال گذشته به ویژه بعد از بحران سوریه و شکل‌گیری بحران قطر شکاف جدیدی در میان کشورهای عربی به وجود آمده است. بدین ترتیب، صف‌آرایی کشورها میان یکدیگر و دو قطبی شدن کشورهای جهان عرب موجب شد که برخی از این کشورها مسابقه جدیدی را برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی آغاز کنند.

درگیر بودن اعراب با بحران‌های داخلی

چهارمین دلیل تشدید روند عادی‌سازی روابط میان تل‌آویو و پایتخت‌های عربی به وجود بحران‌های داخلی در کشورهای عربی مرتبط دانست. به عنوان مثال قتل جمال خاشقچی (Jamal Khashoggi) موجب شکل‌گیری بحران جدیدی برای عربستان سعودی شد و محمد بن سلمان که گفته می‌شود صادرکننده دستور این قتل بوده را با تنگنایی سخت مواجه کرد. اما ولیعهد سعودی با پشتیبانی و حمایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی توانست از این بحران عبور کند (نجات، ۱۳۹۷: ۳). عربستان سعودی به منظور تضمین چتر حمایت غرب و کسب حمایت و پشتیبانی آمریکا از برنامه‌ها و جاه‌طلبی‌های خود سعی دارد از طریق عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی حمایت کنگره و لابی‌های متنفذ و قدرتمند صهیونیستی در آمریکا، اروپا و سایر کشورها را جذب نماید.

هم اکنون بحرین با برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی و روابط نامحدود با آمریکا می خواهند با دست بازتر و آزادی عمل بیشتری به سرکوب مردم ادامه دهند.

ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه ای

از دیگر تبعات منفی عادی سازی روابط اسرائیل و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای جمهوری اسلامی ایران می توان به ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه ای به ضرر جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. عربستان سعودی همواره به دنبال متحد منطقه ای قدرتمند جهت مقابله با قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت بوده است. لذا پس ناکامی محور ریاض، مقامات سعودی به دنبال اتحاد با رژیم صهیونیستی بوده اند. در صورت عادی سازی روابط و شکل گیری ائتلاف رسمی بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، توازن قوا در سطح منطقه ای دچار دگرگونی و دگردیسی خواهد شد. در واقع از آنجا که اتحاد کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی موجب ایجاد انشقاق در جهان اسلام و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه می گردد این امر می تواند به ضرر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد.

بر پایه نظریه موازنه تهدید توانایی دولت ها برای اعمال قدرت با افزایش فاصله، کاهش می یابد در نتیجه دولت های نزدیک تر نسبت به دولت های دورتر تهدید آمیزترند (جانسیز و اعجازی، ۱۴۰۰: ۱۷۰). ایران، حمایت و پشتیبانی خود را از بازیگران غیردولتی در سراسر جهان عرب مانند حزب الله، حوثی ها (انصارا...) و شبه نظامیان مختلف اقدام رو به جلو در برابر دسیسه های احتمالی آمریکا و رژیم صهیونیستی توصیف می کنند. روابط امنیتی آمریکا با عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ذاتاً برای ایران تهدید کننده است. همه دولت ها در سیاست خارجی خود بر مبنای ترکیبی از انگیزه های تدافعی و تهاجمی عمل می کنند. باور رهبران ایران به تهدید آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تهران بدون شک واقعی است و شواهد زیادی برای تأیید آن وجود دارد.

نتیجه گیری

شکل گیری روابط رسمی بین اسرائیل و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به ضرر منافع ملی ایران است و موجب ایجاد انشقاق در جهان اسلام و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه می گردد.



از این رو جمهوری اسلامی ایران می‌بایست مانع از عادی‌سازی روابط و شکل‌گیری این اتحاد شود. عادی‌سازی روابط در بهترین حالت از سطح روابط رژیم صهیونیستی با دولت‌ها فراتر نخواهد رفت و به سطح ملت‌ها نخواهد رسید. رژیم صهیونیستی‌ها در شرایط ذلت کشورهای عربی دریافته‌اند که زمینه دستیابی آنها به منافع نفت کشورهای عربی در حاشیه خلیج فارس و تسلط بر این کشورها و اقتصاد آن فراهم است، بهانه دیگر رژیم صهیونیستی‌ها ایران هراسی و اجماع حول محور تقابل با جمهوری اسلامی می‌باشد. رشد قدرت ایران، ریاض و متحدان سلطنتی خلیج فارس را به گسترش روابط امنیتی با آمریکا و رژیم صهیونیستی سوق داد. چالش امنیتی در منطقه خلیج فارس همواره وجود داشته و این به آن معناست که احتمال تشدید تنش و حتی درگیری مستقیم میان بازیگران منطقه از جمله ایالات متحده برای همیشه وجود دارد. رهبران عربستان سعودی و امارات با بررسی جایگاه ایران در سراسر شرق عربی و توسعه برنامه هسته‌ای این کشور، در نوع روابط خود تجدید نظر می‌کنند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اسرائیل با تاکید بر تهدیدات امنیتی ایران به توسعه روابط خود با اعراب به دلایلی از جمله حمایت آمریکا از عادی‌سازی روابط، تضعیف ایدئولوژی ضد صهیونیستی ایران، وجود شکاف و جدایی در میان کشورهای عربی، درگیر بودن اعراب با بحران‌های داخلی و ایجاد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای در سطح همکاری‌های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته و الگوی رفتاری موازنه تهدید را بهترین رویکرد در قبال جمهوری اسلامی ایران برگزیده‌اند که به نظر می‌رسد مسئله عادی‌سازی روابط اسرائیل و اعراب همچون دیگر توطئه‌های مثلث غربی-عربی-عربی طی چند دهه گذشته با شکست مواجه شده، موضوع نگران‌کننده‌ای نیست و دیر یا زود به رسوایی کشورهای هم‌پایه با رژیم صهیونیستی و فروپاشی این مناسبات جعلی منتهی خواهد شد از جمله در بحران غزه که این امر به خوبی خود را نشان داد. با عنایت به این مساله که عادی‌سازی روابط در بهترین حالت از سطح روابط رژیم صهیونیستی با دولت‌ها فراتر نخواهد رفت پیشنهاد می‌گردد جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی فعال سعی نماید مسئله فلسطین را زنده نگه داشته و همچنین به حکومت‌های عربی متذکر شود که باید به صدای ملت‌هایشان که مخالف عادی‌سازی روابط با اشغالگران رژیم صهیونیستی هستند، گوش فرا دهند.

منابع

الف) فارسی

- آقازاده، سید علی (۱۳۹۹/۰۶/۲۶). چهارهدف عادی‌سازی روابط عرب‌ها با رژیم صهیونیستی. روزنامه دنیای اقتصاد، قابل دسترسی در: <https://donya-e-eqtasad.com>
- جانسیز، احمد و اعجازی، احسان (۱۴۰۰). «تحلیل رابطه ایران و ایالات متحده آمریکا از منظر موازنه تهدید» (۲۰۲۱-۲۰۱۶)، فصلنامه سیاست جهانی. دوره ۱۰، شماره ۳۵، ۱۹۶-۱۶۳، قابل دسترسی در <https://www.sid.ir/paper>
- جکسون، رابرت و سورنسون، گنورک (۱۳۹۰). درآمدی بر روابط بین الملل. ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسن سعید کلاهی. تهران: نشر میزان.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و نعمتی، امیرحسین (۱۳۹۸). «صف آرایی عربستان سعودی با اسرائیل از نگاه نظریه‌های روابط بین الملل»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهررضا، شماره ۴۰، ۸۹-۷۰، قابل دسترسی در <https://pir.shahreza.iau.ir>
- دویچ، کارل (۱۳۷۵). نظریه‌های روابط بین الملل. ترجمه وحید بزرگی. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۱). سیاست خارجی آمریکا، خاورمیانه و دموکراسی. تهران: خط سوم.
- رجبی ده برزوئی، اصغر و بیدگلی، محمد (۱۴۰۱). ایران رژیم صهیونیستی؛ فراز و فرود. تهران: انتشارات کیان دانش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (اصول و مبانی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۴). نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین الملل فردی-جهانی شده. مناسبت و کارآمدی. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- شمس دولت آبادی، سیدمحمودرضا و عسگری، مهدی (۱۳۹۸). «تاثیر ژئوپلیتیک سوریه بر



امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی»، فصلنامه علمی/امنیت

ملی. سال نهم، شماره ۳۳، ۵۲-۲۵، قابل دسترسی در: <https://ns.sndu.ac.ir/article>

- عابدی، سجاد (۱۴۰۱/۰۶/۱۶). تاثیر استراتژی نظامی اسرائیل بر امنیت ایران. خبر آنلاین، قابل

دسترسی در: <https://www.khabaronline.ir>

- عالیشاهی، عبدالرضا، فروزان، یونس و سلیمانی سوچلمانی، حمید (۱۳۹۹). «تاثیر ائتلاف

راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس»، نشریه آفاق/امنیت. شماره ۴۹،

۱۶۹-۱۴۷، قابل دسترسی در <https://ps.iuh.ac.ir/article>

- عباسی، مجید، قیاسی، امیر و باباجانی پور، زهرا (۱۳۹۲). «راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم

صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین الملل»، فصلنامه سیاست خارجی. دوره ۲۷،

شماره ۱، ۱۹۸-۱۷۵، قابل دسترسی در <http://fp.ipisjournals.ir/article>

- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه های امنیت. تهران، انتشارات فرهنگی مطالعات و تحقیقات

بین المللی ابرار معاصر تهران.

- عبداللهی، علی (۱۳۹۹/۰۶/۳۰). پیامدهای عادی سازی روابط کشورهای عربی منطقه بر

محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران. خبرگزاری ایسنا، قابل دسترسی در:

<https://www.isna.ir/news>

- عرب گری، محمد (۱۴۰۰/۰۱/۲۸). خیانت عربی، سایت دیپلماسی ایرانی. قابل دسترسی در:

<http://irdiplomacy.ir>

- فردوسی پور، مجتبی (۱۳۹۹). بررسی توافق امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی. تهران:

مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل. چاپ ۱۱، تهران:

انتشارات سمت.

- کمالی، محمدرضا، الهامی، امیرحسین و نبی زاده، بابک (۱۴۰۰). «روابط سیاسی رژیم

صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی

ایران»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس. دوره ۷، شماره ۴، ۱۷۸-۱۵۵، قابل دسترسی

در https://hds.sndu.ac.ir/article_1681.html

- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، ترجمه غلامعلی چگنی زاده. چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- مختاری، عبدالله (۱۳۹۹). «ابعاد نفوذ رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان از منظر تاثیرگذاری بر امنیت ملی. جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی/امنیت ملی. سال دهم، شماره ۳۷، ۱۵۰-۱۲۷، قابل دسترسی در <https://ns.sndu.ac.ir/article>
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰). *مجموعه مقالات همایش سیاست خارجی ایران در خاورمیانه*. تهران: دانشگاه تهران.
- نجات، سید علی (۱۳۹۷). *تسریع روند عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی؛ دلایل و پیامدها*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

(ب) انگلیسی

- Abbasi, Majid, Amir Qiyazi and Zahra Babajanipour (2012). "The strategy of peripheral alliance of the Zionist regime and the theory of balance of threats in international relations", *Foreign Policy Quarterly*. Volume 27, No. 1, 175-198, available at <http://fp.ipisjournals.ir/article>
- Abdi, Sajad (16/06/1401). *The impact of Israel's military strategy on Iran's security*. Khabar Online, accessible at: <https://www.khabaronline.ir>
- Abdullah Khani, Ali (1383). *Theories of security*. Tehran, Publications of the Cultural Institute of International Studies and Research of Abrar, Tehran.
- Abdullahi, Ali (06/30/2019). *Consequences of the normalization of relations between Arab countries in the region on the security environment of the Islamic Republic of Iran*. ISNA news agency, accessible at: <https://www.isna.ir/news>
- Aghazadeh, Seyed Ali (26/06/2019). *The four goals of normalizing Arab relations with the Zionist regime*. Dunya Ekhtesad newspaper,



accessible at: <https://donya-e-eqtesad.com>

- Alishahi, Abdul Reza, Forozan, Younes and Soleimani Suchalmai, Hamid (2019). *"Effect of the strategic alliance of the UAE and the Zionist regime on the security of the Persian Gulf"*, Afaq Security Journal, No. 49, 169-147, available at <https://ps.iuh.ac.ir/article>
- Arabgiri, Mohammad (1400/01/28). *Arab betrayal*, Iranian diplomacy website. Available at: <http://irdiplomacy.ir>
- Deshyar, Hossein (2012). *American foreign policy, Middle East and democracy*. Tehran: Third Line.
- Deutsch, Karl (1375). *Theories of International Relations*. Translated by Vahid Ghazari. Tehran: Jihad Academic Publishing.
- Ferdowsipour, Mojtabi (2019). *Examination of the agreement between the United Arab Emirates and the Zionist regime*. Tehran: Center for Political and International Studies.
- Haji Yousefi, Amir Mohammad and Nemati, Amir Hossein (2018). *"Alignment of Saudi Arabia with Israel from the perspective of international relations theories"*, Shahreza Islamic Azad University Political and International Research Quarterly, No. 40, 70-89, accessible at <https://pir.shahreza.iau.ir>
- Jackson, Robert and Sorenson, Georek (2018). *Introduction to International Relations*. Translated by Mehdi Zakarian, Ahmad Taghizadeh and Hassan Saeed Kolahi. Tehran: Mezan Publishing.
- Jansiz, Ahmad and Ejazi, Ahsan (1400). *"Analysis of the relationship between Iran and the United States of America from the perspective of the balance of threats"* (2016-2021), World Politics Quarterly. Volume 10, No. 35, 163-196, available at <https://www.sid.ir/paper>
- Kamali, Mohammadreza, Elhami, Amir Hossein and Nabizadeh, Babak (1400). *"Political relations between the Zionist regime and the Persian Gulf countries and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran"*, Scientific Quarterly of Holy Defense Studies. Volume 7, Number 4. 155-178, available at https://hds.sndu.ac.ir/article_1681.html
- Little, Richard (2009). *Evolution in the theories of the balance of power*, translated by Gholam Ali Cheganizadeh. First edition, Tehran: Publications of the Cultural Institute of Contemporary Abrar International Studies and Research.

- Mashirzadeh, Hamira (2006). *Evolution in the theories of international relations*. Tehran: Samet Publications.
- Mokhtari, Abdullah (2019) "*Dimensions of the influence of the Zionist regime in the Republic of Azerbaijan from the point of view of influencing national security*. Islamic Republic of Iran", Scientific Quarterly of National Security. Year 10, No. 37, 150-127, accessible at <https://ns.sndu.ac.ir/article>
- Moslinejad, Abbas (2013). *Proceedings of the conference on Iran's foreign policy in the Middle East*. Tehran: University of Tehran.
- Najat, Seyed Ali (2017). *Accelerating the process of normalizing Israel's relations with Arab countries; Reasons and consequences*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies.
- Qawam, Abdul Ali (2004). *Principles of foreign policy and international politics*. 11th edition, Tehran: Samit Publications.
- Rajabi Deh Barzoui, Asghar and Bidgoli, Mohammad (1401). *Iran, the rise and fall of the Zionist regime*. Tehran: Kian Danesh Publications.
- Sachs, N. ; Hugard, K. (2020). "*Israel in the Middle East: the Next two Decades*".
- Sarukhani, Baqir (2009). *Research methods in social sciences (principles and foundations)*. Tehran: Institute of Human Sciences and Cultural Studies.
- Seifzadeh, Seyed Hossein (1384). *Different theories and theories in individual-globalized international relations: appropriateness and efficiency*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Office of Political and International Studies.
- Shams Dolatabadi, Seyyed Mahmoud Reza and Asgari, Mehdi (2018). "*The impact of Syrian geopolitics on the national security of the Islamic Republic of Iran in the face of the Zionist regime*", Scientific Quarterly of National Security. Year 9, No. 33, 25-52, available at: <https://ns.sndu.ac.ir/article>
- Singer, J. (2021). "*The Abraham Accords: Normalization Agreements Signed by Israel with the U.A.E. , Bahrain, Sudan and Morocco*". International Legal Materials, Published online by Cambridge University press: 26 April, 3 (60), 448-463.

Investigating Israel's strategy in normalizing relations with Arabs against Iran Based on Stephen Walt's theory

Asghar Rajabi Deh Borzoei¹

*Department of Education, North Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran*

Mohammad Bidgoli

*Department of Law, Varamin-Pishva Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Abstract

After more than seven decades of the existence of the usurping Zionist regime, the security and psychological atmosphere of the Middle East is still affected by the formation of this occupying government. Israel pursues the goals of pursuing the normalization process with the Arab countries of the Persian Gulf region, and the purpose of the current research is to answer the basic question, what is Israel's strategy in normalizing relations with the Arabs against Iran based on Stephen Walt's theory? This research has been used with documentary method and inspired by Stephen Walt's balance of threat theory in analyzing Israel's strategy in normalizing relations with Arabs. The results of the current research show that Israel, by emphasizing Iran's security threats, develops its relations with the Arabs for reasons such as America's support for the normalization of relations, the weakening of Iran's anti-Zionist ideology, the existence of a gap and separation among the Arab countries, and the involvement of the Arabs in the crisis. internal issues and changes in the regional power balance at the level of various military, political and economic cooperations and have chosen the behavior pattern of threat balance as the best approach towards the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Stephen Walt, Israel, Normalizing Relations with the Arabs



1. Corresponding Author (asgharrajabi021@gmail.com)